

سؤال/جواب ۲۴ : معنی سبع مثنائی

سؤال/ ۲۴ : ما معنی السبع المثنائی؟

پرسش ۲۴: معنای سبع مثنائی چیست؟

الجواب: قال تعالى: (وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمِ) ([362])،
والمثنائي في هذه الآية هي: آيات سورة الفاتحة ([363]).
پاسخ:

خداوند متعال می فرماید: (ما سبع المثنائی و قرآن بزرگ را به تو دادیم) ([364]).

مثنائی در این آیه عبارت است از آیات سوره ی فاتحه. ([365])

والمثنائي مأخوذة من الثناء، أي المدح والحمد، فأيات سورة الفاتحة سبع آيات
كلها آيات ثناء على الله سبحانه وتعالى، ولذا سميت السبع المثنائي. والرسول في
هذه الحالة هو: الثاني المثنائي، أي المادح والحمد، ولو سميتها الحمد يصبح
الرسول هو الحامد أو محمد وأحمد.

«مثنائی» از «ثنا» به معنای مدح و ستایش گرفته شده است و آیات سوره ی
فاتحه هفت آیه است که همگی آن ها مدح و ثنای خداوند سبحان و متعال
می باشد؛ از این رو سبع مثنائی نامیده شده است. پیامبر (ص) در این حالت «الثانی
المثنی» است یعنی مدح کننده و حمد کننده و اگر آن را سوره ی حمد بنامی،
پیامبر (ص) خود، حمد کننده یا محمد و احمد می شود.

والقرآن كله في الفاتحة، ولهذا أفرد الله منته على الرسول بالفاتحة المباركة.
ولما كان القرآن تفصيل للفاتحة أصبح القرآن كله ثناءً على الله سبحانه وتعالى
عند أهله، فصح أن يسمى القرآن كله مثنائي، قال تعالى: (اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ
كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانِي تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ
إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ) ([366]).

تمام قرآن در فاتحه است و از همین رو خداوند منتش را با سوره‌ی مبارک فاتحه بر پیامبر (ص) مختص می‌گرداند. از آن جا که قرآن شرح و تفصیل فاتحه است، قرآن از نظر اهلش به طور کامل مدح و ثنای خداوند سبحان و متعال می‌باشد؛ بنابراین صحیح است که قرآن جملگی مثانی نامیده شود. خداوند متعال می‌فرماید: (خدا بهترین سخن را نازل کرده است. کتابی متشابه و مثانی، که از تلاوت آن، کسانی که از پروردگارشان می‌ترسند، از خوف، تنشان بلرزد؛ سپس تن و جانشان به یاد خدا بیارآمد. این راه خدا است که هر که را بخواهد به آن راهنمایی می‌کند و هر که را خدا گمراه کند او را هیچ راهنمایی نخواهد بود) ([367]).

والمثاني الناطق هم: الأئمة ، وهم سبع آيات ثناء على الرسول في هذه الأرض، وفي جميع العوالم، تفتخر الملائكة بخدمتهم واتباعهم، وضرب أعداء الله بين أيديهم، وهم: علي وفاطمة والحسن والحسين والأئمة الثمانية ولد الحسين والقائم المهدي والأئمة من ولد القائم المهدي ، وقد ورد عنهم : أنهم هم المثاني ([368]) ، (وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ).

مثانی ناطق همان ائمه (ع) می‌باشند. آن‌ها هفت آیه‌ی ثنا و ستایش بر پیامبر (ص) در این زمین و در تمام عوالم هستند که فرشتگان به خدمت‌گزاری و پیروی از آن‌ها و ضربه زدن به دشمنان خدا در پیشگاه‌شان مفتخرند و ایشان عبارتند از: علی، فاطمه، حسن، حسین و هشت امام از فرزندان حسین (ع) و قائم مهدی (ع) و ائمه از فرزندان قائم مهدی (ع) و از آن‌ها (ع) روایت شده است که این‌ها خودشان مثانی هستند ([369]): (ما سبع المثاني و قرآن بزرگ را به تو دادیم) .

۱ ذی الحجۃ ۱۴۲۴ هـ

باقی مانده‌ی آل محمد(ع) ،

رکن شدید احمدالحسن،

وصی و فرستاده‌ی امام مهدی (ع) به سوی تمامی مردمان

تأیید شده با جبرئیل، تسدید شده با میکائیل، یاری شده با اسرافیل

(ذُرِّيَّةٌ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ)

(فرزندانی، برخی از نسل برخی دیگر، و خداوند شنوا و دانا است)

اول ذی الحجۃ ۱۴۲۴ هـ. ق (برابر با ۴ بهمن ۱۳۸۲)

[362] - الحجر : 87.

[363] - قيل لأمير المؤمنين (ع): يا أمير المؤمنين، أخبرنا عن (بسم الله الرحمن الرحيم) أهي من فاتحة الكتاب؟ فقال: (نعم ، كان رسول الله يقرأها ويعدها آية منه، ويقول: فاتحة الكتاب هي السبع المثاني) الأمالي للشيخ الصدوق : ص 240.

[364] - حجر: 87.

[365] - به اميرالمؤمنين(ع) گفته شد: ای امیر مؤمنان، ما را از «بسم الله الرحمن الرحيم» آگاه نما. آیا جزو سوره‌ی فاتحه است؟ فرمود: «آری، رسول خدا ص آن را قرائت می‌فرمود و آن را آیه‌ای از آن می‌دانست و می‌فرمود: فاتحة الكتاب همان سبع مثانی است». امالی شیخ صدوق: ص 240.

[366] - الزمر : 23.

[367] - زمر: 23.

[368] - عن أبي جعفر (ع)، قال: (نحن المثاني التي أعطاه الله نبينا ، ونحن وجه الله نتقلب في الأرض بين أظهركم عرفنا من عرفنا، ومن جهلنا فأمامه اليقين) توحيد الصدوق : ص 140.

[369] - از ابو جعفر (ع) روایت شده است که فرمود: «ما همان مثنی هستیم که خداوند به پیامبرمان ع عطا فرمود. ما وجه خداییم که بین دیدگان شما در زمین رفت و آمد می کنیم. می شناسد ما را آن کس که شناخته و جاهل است به ما آن که نادان است». توحید صدوق: ص 140.